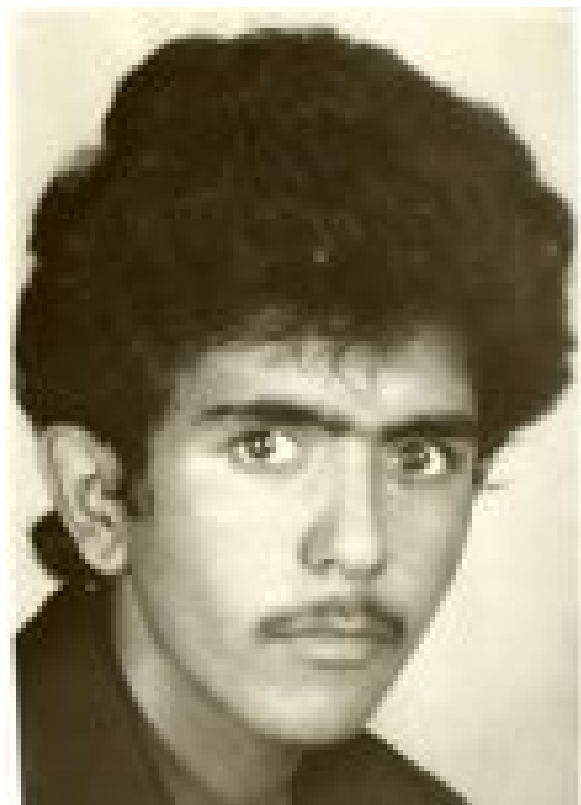


شہید احمد نجارزادہ



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۰۷/۰۲
محل تولد	بوشهر – گناوه
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۷/۱۸
محل شهادت	گناوه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	گناوه

زندگینامه

شهید احمد نجارزاده در تاریخ دوم مهر ماه سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده ای مذهبی و فقیر منطقه دشتستان چشم به جهان گشود. مدتی کوتاه بعد از تولد در هوای گرم آن منطقه در دامن مادر معتقد به اصول اسلامی و در عین حال صبور در مقابل شدائد و سختی ها به سربرد و سپس به جایگاه اصلی خود یعنی بندر گناوه مراجعت کردند.

دوران طفولیت خود را در کانون گرم خانواده ای که با مشکلات و فقر دست و پنجه نرم می کرد گذراند و برآستی چگونه زندگی کردن را آموخت. شهید کودکی فعال و در عین حال با هوش بود و در سن شش سالگی به دبستان فرستاده شد و دوران ابتدائی خود را در دبستان (اهلی) باباعلیشاه، سابق گذراند ولی بر حسب علاقه شدید به مسائل اسلامی و به توصیه افراد خانواده که به احکام اسلامی علاقه بسیار داشتند تابستانها به مکتب خانه می رفت و به فرا گرفتن قرآن کریم و دیگر احکام مقدماتی اسلامی می پرداخت.

وی در دوره راهنمایی تحصیلات خویش را ادامه داد که مواجه با اوج انقلاب اسلامی شد و چون علاقه زیادی به مبانی دین اسلام داشت و ظلم و ستم حکومت ستمشاهی را درک کرده بود حرکت و فعالیت های مذهبی را آغاز نمود و همراه با مردم قهرمان و غیور گناوه در سال ۱۳۵۶ در تمام راهپیمایی ها و مجالس مذهبی بر علیه حکومت شاه شرکت فعال داشت و لحظه ای کار برای انقلاب و اسلام را با ساعتها آسایش خویش معامله نمی کرد.

زیرا او فقر خانواده خود و دیگر مردم را تنها از ظلم ظالمان دربار می دانست اما شهید تنها به فقر می نمی اندیشید چرا که می دانست با کارگری هم میتوان امرار معاش نمود ولی آنچه او را رنج می داد پایمال شدن احکام اسلامی و زیر پا گذاشتن شریعت مقدس اسلام و جایگزین کردن زرق و برق های غرب به جای آنها و امثالهم بود.

قیام جوانان مسلمان ایران علیه دستگاه حاکم در جهت پاسداری از اسلام عزیز بود. شهید نجارزاده با شناخت راهش همگام با مردم مسلمان راه اصلی را ادامه داد و از پای ننشست. او مقلد امام و یکی از سربازان امام بود.

مخلص به انقلاب بود و به آیین آن بسیار خوش بین بود. انقلاب اسلامی ایران به رهبری قاطعانه امام امت و به یاری خدای بزرگ در سال ۵۷ به پیروزی رسید و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب نیاز به تشکیل ارگانهایی بود.

به همین مناسبت حضرت امام خمینی رهبر کبیر دستور تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج را صادر فرمودند موقعی که بسیج در بندر گناوه تشکیل شد احمد مشتاقانه برای خدمت به انقلاب بسوی آن شتافت و به عضویت آن در آمد ولی بیشتر فعالیت های پنهانی برای رضای خداوند تبارک و تعالی بود.

او شیعه امام علی بود و لاجرم شیوه امام علی را در زندگی می بایست بکار می برد لذا همسایگان و مستمندان را از هر نوع کمک و یاری که بر آن توانا بود بی بهره نمیگذاشت.

چون در بسیج فعال بود و کارش قابل توجه بود مدتی هم فرماندهی گروه مقاومت را بعهده داشت و عاشق شهادت بود. او که جز افراد ذخیره سپاه پاسداران بود همراه اولین گروه اعزامی رزمندگان به جبهه نور علیه ظلمت رهسپار شد و در جبهه غرب در عملیات جنگ های نامنظم به فرماندهی شهید چمران با دشمنان جنگید و بعد از مدتی از جبهه به گناوه برگشت و به مدرسه رفت و عقیده داشت که از تعطیلات تابستان بابد استفاده کرد و مجدداً به جبهه اعزام شد. بعد از مدتی تصمیم گرفت به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گناوه در آید و بعد به

جبهه برود لذا تصمیم قاطع گرفت و با عزمی راسخ عضو شد اما پایان زندگی دنیوی و زودگذر فرار سیده بود و زندگی جاودانه آنها با مقام والای شهید در انتظار بود

لذا هنگامیکه در عملیات رزم شبانه سپاه پاسداران در تاریخ ۶۱/۷/۱۸ شرکت کرده بود به درجه رفیع شهادت نائل آمد و به آرزوی خود رسید

در پایان جا دارد یک تکه‌ای از خصوصیات شهید به عنوان نمونه بیان شود؛ او نه تنها در منزل بلکه در جامعه و اجتماع از اخلاق حسنه‌ای برخوردار بود اخلاقش چنان بود که اگر کسی به او تندی یا پر خاش می‌کرد سر زیر می‌انداخت و در مقابل او سکوت می‌کرد

انسانی کامل بود روح شهادت همیشه در وجودش موج می‌زد. شب قبل از شهادت در عالم خواب دیده بودم یک سید نورانی ظاهر می‌شود و به او می‌گویم احمد آیا این منزل زیبا را می‌خواهی؟ احمد جواب می‌دهد بلی آقا. سید در جواب می‌گوید همین زودی به آنجا خواهی رفت. آری او راهش را انتخاب کرد و به هدفش رسید

روحش شاد یادش گرامی باد.

وصیت نامه

مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه آنان زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی می گیرند .

اینجانب احمد نجارزاده فرزند محمد ساکن بندر گناوه که عازم به جبهه هستم تنها وصیتم این است که می نویسم .
به نام خدا اولاً باید از علاقه ام که به جبهه می روم بگویم — خدایا شاهد باش که من فقط در راه اسلام و قرآن و خدا می جنگم و عضو هیچ گروهی نیستم بجز پیروی از اسلام و قرآن ، پیام مرا به ملت ایران و پدرم و مادرم و برادرم و خواهرم برسانید و بگوئید که فقط در راه اسلام می جنگم و اگر شهید شوم پیروزم و اگر هم زنده بمانم پیروزم ، و برادران مگذارید که دشمنان از خون من بهره ای ببرند.
والسلام



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران